

بومی‌گرایی در رساله‌های دکتری فلسفه تعلیم و تربیت: بررسی

دانشگاه‌های دولتی تهران^۱

مریم مغفوری فرسنگی^۲

سوسن کشاورز^۳

اکبر صالحی^۴

نعت‌الله موسی‌پور^۵

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف شناسایی چستی فلسفه تعلیم و تربیت بومی، شناسایی و اعتباربخشی شاخصهای بومی‌سازی این رشته در ایران و نیز بررسی وضعیت رساله‌های دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت در دانشگاه‌های دولتی تهران طی سالهای ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ از منظر توجه به مسئله بومی‌سازی انجام شد. **روش:** در پژوهش حاضر، تمامی رساله‌های دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه‌های دولتی تهران طی سالهای ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ (۱۶ رساله) از منظر توجه به مسئله بومی‌سازی، با روش توصیفی-تحلیلی ارزیابی شدند تا مشخص شود پژوهشهایی که در این حیطه صورت می‌گیرند تا چه میزان در راستای بومی‌سازی و پاسخ به نیازهای کشور می‌باشند. بدین منظور، ابتدا با روش نظریه‌بنیادی شاخصهای مدنظر (۹ شاخص) شناسایی و سپس با روش دلفی، اعتبارسنجی شدند. در نهایت، رساله‌ها با توجه به شاخصهای مذکور تحلیل شدند. **یافته‌ها:** از بین تمام شاخصها، تنها پنج مورد به طور کامل رعایت شده‌اند که شامل بهره‌مندی از میراث علمی بشری در حد امکان، برآوردن نیازها، نظروزی عالمانه، نوآورانه بودن و مستدل بودن می‌باشند. شاخص انتقادی بودن هم تا حد زیادی رعایت شده است. بعلاوه معلوم شد که در رساله‌های مذکور توجه چندانی به سه شاخص بهره‌مندی از میراث علمی ایرانی-اسلامی، بازسازی میراث علمی ایرانی-اسلامی و اصلاح منابع معرفتی نشده است. **نتیجه‌گیری:** از کل رساله‌های مورد بررسی، تنها ۳۱/۲۵ درصد رساله‌ها به طور کامل در راه بومی‌سازی این رشته گام برداشته‌اند و بقیه توجه چندانی به مسئله بومی‌سازی و رفع نیازهای بومی کشور نداشته‌اند. به علاوه، آنگونه که باید، مسئله بومی‌سازی در رشته فلسفه تعلیم و تربیت در قالب رساله‌های دکتری در دانشگاه‌های دولتی تهران مورد توجه قرار نگرفته است. این امر علاوه بر از بین بردن سرمایه‌های ارزشمند انسانی و مالی، مانع بزرگی برای دستیابی به هدف والای بومی‌سازی علوم تربیتی خواهد بود. به نظر می‌رسد رفع این مانع می‌تواند مسیر دستیابی به هدف بومی‌سازی علوم انسانی را هموارتر کند.

واژگان کلیدی: رساله‌های دکتری، فلسفه تعلیم و تربیت، ارزیابی، بومی‌گرایی، بومی‌سازی.

♦ دریافت مقاله: ۹۹/۰۶/۳۰؛ تصویب نهایی: ۹۹/۰۹/۰۵.

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان «چستی فلسفه تعلیم و تربیت بومی و ارزیابی رساله‌های دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت در تهران از منظر توجه به مسئله بومی‌سازی» است.

۲. دانشجوی دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه خوارزمی، تهران (نویسنده مسئول) / نشانی: تهران، خیابان شهید مفتح نرسیده به انقلاب، پلاک ۴۳، نامبر: ۳-۸۸۳۲۹۲۲@yaho.com / Email: mmfar1360@yahoo.com

۳. دکترای فلسفه تعلیم و تربیت، دانشیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه خوارزمی.

۴. دکترای فلسفه تعلیم و تربیت، دانشیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه خوارزمی.

۵. دکترای برنامه‌ریزی درسی، استاد گروه آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان تهران.

الف) مقدمه

علوم انسانی از شاخه‌های اصلی رشته‌های آموزشی و پژوهشی آموزش عالی‌اند که با رشته‌ها و گرایشهای متنوع، پوشش دهنده ارزشهای دینی، بومی، فرهنگی، اخلاقی و اجتماعی جوامع‌اند (خوی راد، ۱۳۸۸). ژاک دریدا^۱ معتقد است که ما باید در علوم انسانی همواره در راه باشیم؛ یعنی باید به طور دائمی مسیر علوم انسانی را رصد و وضعیت موجود را بررسی کنیم. علوم انسانی علمی همواره زنده و پویا هستند؛ باید ارتباط این علوم به طور پیوسته با بستر جامعه برقرار باشد و در فضاهای علمی بررسی شود که چه مسائلی در علوم انسانی نیازمند نقد و بازنگری‌اند (شکراف، ۲۰۰۷). متأسفانه «یکی از آسیبهای جدی علوم انسانی در کشور این است که علوم نظری، مجموعه‌ای از متونی است که حاصل رهیافتهای غربی بوده به همین دلیل، سختی با جامعه اسلامی ما ندارند. به نظر بسیاری از اندیشمندان و فرهیختگان دانشگاهی، علوم انسانی با وجود اهمیتی که دارند، همچنان از آبخور اندیشه‌ها و ایسم‌های غربی سیراب می‌شوند». (ناظمی، ۱۳۸۸: ۱۲۳)

علوم تربیتی یکی از زیرمجموعه‌های علوم انسانی است. علوم تربیتی که عهده‌دار مطالعه و تحقیق در آموزش است، موقعیت خاصی در بین رشته‌های علوم انسانی دارد؛ زیرا به وسیله این علوم است که مسائل و تنگنای نظام آموزش و پرورش در تمام مراحل روشن می‌شود و راه حل آنها به دست می‌آید (پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۴). از نظر میلاره (۱۳۷۵)، علوم تربیتی مجموعه معارفی است که شرایط، وجود، کارکرد و تحول وضعیت و وقایع تربیت را مطالعه می‌کند. این دانش دارای گرایشها و رشته‌های فراوانی است؛ مانند جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، روان‌شناسی تربیتی، فلسفه تعلیم و تربیت و...؛ بنابر این، یکی از گرایشهای علوم تربیتی، رشته فلسفه تعلیم و تربیت است. این رشته نیز در بین گرایشهای علوم تربیتی، از اهمیت خاصی برخوردار است. در واقع؛ «فلسفه تعلیم و تربیت، مادر بسیاری از رشته‌های علوم انسانی است». (سجادی و نورآبادی، ۱۳۸۹: ۲۶)

از سوی دیگر، باید توجه داشت پیشرفت و اعتلای هر کشوری به کمیت و کیفیت دانشگاههای آن وابسته است (عمادزاده، ۱۳۸۲). دانشگاه به مثابه عالی‌ترین جایگاه تبلور اندیشه‌ها و تعالی افکار، مناسب‌ترین بستر پدیدار شدن خلاقیت و نوآوری جوانان و دستیابی به بلندترین قله‌های علوم و فنون و مطلوب‌ترین سنگر پاسداری از ارزشها، بیشترین مسئولیت را در اصلاح و هدایت جامعه بر عهده دارد (گلکار، ۱۳۸۷). بنابر این، دانشگاه رکن اساسی پیشرفت در هر کشور است؛ زیرا اکثر فعالیتهای علمی و پژوهشی در دانشگاههای ما صورت می‌گیرند که تعداد زیادی از آنها را پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دوره‌های تحصیلات تکمیلی تشکیل می‌دهند. «پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و رساله‌های دکترای تخصصی مدارکی هستند که در فرایند تحصیل در این مقاطع و در نتیجه همکاری میان دانشجویان و اساتید و با پشتیبانی دانشگاهها و مؤسسه‌های آموزش عالی پدید می‌آیند. داده‌های مجموعه این مدارک در کنار هم، به خودی خود و همچنین در

مقایسه با داده‌های منابع دیگر، می‌تواند اطلاعات جدیدی را فراهم آورند که از لحاظ علمی و همچنین مدیریتی بسیار با ارزش هستند» (علیدوستی و همکاران، ۱۳۸۸: ۶)

بر پایه مطالب پیش گفته، ضرورت توجه به چگونگی رساله‌های دوره دکتری روشن می‌شود. در واقع؛ در پایان این دوره، دانشجو موظف است به تدوین یک پایان‌نامه در حوزه تخصصی خود بپردازد. این امر از یک سو به دانشجو کمک می‌کند تا علاوه بر دانش، مهارت‌های پژوهشی خود را بالا ببرد و از سوی دیگر، باعث پیشبرد علم و دانش در همان زمینه می‌شود. بنابر این، لازم است تا در بازه‌های زمانی مشخص، رساله‌های دفاع شده در هر رشته درسی بررسی و ارزیابی شوند تا مشخص شود تا چه اندازه هدف مذکور محقق شده است.

با در نظر داشتن مطالب پیش گفته، باید به این مطلب نیز توجه داشت که از آنجا که علوم انسانی فعلی بر اساس مبانی و تفکرات اومانیستی، سکولار و نسبی‌گرایی ناشی از جهان‌بینی غرب و در راستای نیازهای انسان غربی طراحی شده، لزوم بومی‌سازی علوم انسانی و کاربردی شدن آن بیش از پیش بر همگان اثبات می‌شود (برزانی و همکاران، ۱۳۸۷). متأسفانه وضعیت در خصوص رشته فلسفه تعلیم و تربیت نیز به همین صورت است؛ چنانچه بهشتی (۱۳۸۹) نوشته است منابع و متون درسی این رشته در سطوح کارشناسی ارشد و دکترا به طور عمده ترجمه منابع غربی‌اند و کتابهای تألیفی نیز به همین سرنوشت گرفتارند. استادان و مدرسان درس فلسفه تعلیم و تربیت، به دلیل پیمودن این مسیر در مسیر تحصیلات دانشگاهی خود و عدم آشنایی عمقی و تخصصی با فلسفه اسلامی - ایرانی همان روند را می‌پیمایند.

در باب بومی‌سازی علوم انسانی هم باید گفت به دلایل گوناگون، اجماعی میان صاحب‌نظران وجود ندارد. اگر به ادبیات بومی‌سازی نگاه بیندازیم، روشن می‌شود که بیشتر نویسندگان این اصطلاح را برای اشاره به متون غیر غربی به کار می‌برند (گری و کوتز، ۲۰۱۰). گری (۲۰۰۸) ادعا می‌کند که اصطلاح بومی‌سازی با وجود محبوبیت و استعمال فراوان، تبدیل به کلیشه‌ای شده که معنی آن چندان واضح و شفاف نیست. گری و آلگریتی (۲۰۰۳) اعتقاد دارند بومی‌سازی می‌تواند به عنوان فرایندی برای احیا فرهنگی در نظر گرفته شود. «لوسر»^۳ بومی‌سازی را روندی تعریف می‌کند که با آن دانشمندان علوم اجتماعی جهان سوم، ابزارهای روش‌شناسانه و مفهومی خویش را از وابستگی فکری مستقیم و غیر مستقیم به اندیشه‌های علوم اجتماعی آمریکای شمالی و اروپا رها می‌کنند (فرهادی، ۱۳۸۶: ۸۱). از نظر محمدی‌نژاد (۱۳۹۰: ۱۳) «بومی‌سازی به معنای سازگاری، تناسب و هماهنگی دانش موجود با فرهنگ، تمدن و جامعه ایران است». به عقیده گل‌محمدی (۱۳۹۴) در رایج‌ترین و ساده‌ترین وجه، بومی‌سازی عبارت است از فرایند انطباق با امر محلی.

1. Gray Coates

2. Allegritty

3. Loubser

مهدوی آزادبنی (۱۳۸۹) مراد از بومی‌سازی را متناسب ساختن علوم انسانی با مبانی و نیازهای جامعه، همچنین مقتضیات دینی و فرهنگی آن می‌داند. بابایی (۱۳۹۴: ۴۳) عقیده دارد «مسئله بومی‌سازی و سازگار نمودن یک علم با شرایط سرزمینی و بومی یک کشور، وقتی مطرح می‌شود که معرفت و علمی دارای کثیتی ماورای سرزمینی باشد یا در بستر فرهنگ دیگری شکل گرفته و رشد کرده و حال برای استفاده هر چه بیشتر از آن نظر، به هماهنگ کردن این معرفت با شرایط خاص سرزمین محل قابل استفاده و اعمال است تا جنبه‌هایی از این علم، مورد توجه بیشتر قرار گیرد که نیازهای جامعه مقصد را بهتر برآورده کند». کاویانی (۱۳۹۴) جوهر بومی‌سازی را کوشش در پاسخگویی به نیازهای جامعه خویش می‌داند؛ به عقیده او، برای درک بهتر این مفهوم باید توجه داشت که بومی‌سازی معمولاً دخل و تصرف در یک پدیده غیر بومی با هدف سازگار کردن آن با نیاز جامعه خویش را به ذهن متبادر می‌کند. به عقیده ربانی و احمدی (۱۳۸۴) «بومی کردن به معنای تغییر شکل دادن کالاها و عناصر جهانی و همخوان کردن آن با شرایط فرهنگی و اجتماعی جامعه خودی است».

به علاوه، خامنه‌ای (در دیدار دست‌اندرکاران اولین کنگره بین‌المللی قرآن و علوم انسانی، ۱۳۹۶) در ارتباط با علوم انسانی معتقد است این علوم دو سه قرن است که در دنیا ابداع شده و اشخاصی روی آن فکر کرده‌اند و مسائلی را به وجود آورده‌اند؛ بعضی از این علوم هم چندین دهه است که دارند روی آن کار می‌کنند؛ یعنی به اصطلاح چیزهایی جزء علوم مختلف انسانی‌اند که برای ما حکم واردات را پیدا می‌کند؛ حالا غیر از فلسفه و ادبیات و مانند این چیزهایی که مربوط به خود ماست، سرفصلهایی تولید شده، روی آن کار شده، فکر شده، نقد شده و چند لایه رد و بدل شده. ما حالا می‌خواهیم وارد بشویم و این مسائل را از آن ریشه به اصطلاح غیر دینی یا بعضاً ضد دینی آن جدا کنیم و به یک منشأ قرآنی و یک منشأ دینی و وحیانی متصل کنیم. این خیلی مهم است؛ این یک تسلط اساسی بر کارهای دیگران لازم دارد؛ ما باید بدانیم که دیگران در این زمینه‌ها چه کرده‌اند. دانستن کارهایی که آنها انجام داده‌اند، پیشرفتهایی که آنها انجام داده‌اند، از مسائلی است که مورد نیاز است و باید کار بشود.

بر همین اساس باید تأکید کرد که منظور از بومی‌سازی، تنزل سطح علوم انسانی از حیث تولید و اخذ و دامنه شمول آن به مسائل محلی، بومی و منطقه‌ای نیست، بلکه منظور از بومی‌سازی علوم انسانی این است که اولاً، در اخذ این علوم تعصب بیجا به خرج ندهیم و ثانیاً، در نهادینه کردن این علوم، ضرورتها و نیازها و مقتضیات زمانی و مکانی جامعه ایرانی را مطمح نظر قرار دهیم و از سوی دیگر، تلاش کنیم این افکار و تولیدات پس از بازتولید و بومی شدن، با ثرم‌ها و هنجارهای مقبول و عقلانی بین‌المللی نیز تطبیق لازم را داشته باشند (فرزانه‌پور، ۱۳۸۷). برزگر (۱۳۸۹) در رابطه با بومی‌سازی اعتقاد دارد که بومی‌سازی علوم اجتماعی و انسانی به معنای جذب انتقادی علوم اجتماعی و انسانی غرب است، نه ترک میراث غنی غرب در این حوزه. در این رهیافت، علم جهانی و میراث بشری با مسائل و نیازهای جامعه ایرانی سازگار می‌شود و با وجود

پذیرش عقب‌ماندگی نامحسوس علوم اجتماعی و انسانی، در قیاس با علوم طبیعی، بر مزیت نسبی سنت غنی ایرانی و اسلامی تأکید می‌شود که در صورت به روزرسانی آن و تبدیل ظرفیت بالقوه آن به فعلیت، می‌توان چشم‌انداز امیدوارکننده‌ای را به تصویر کشید.

گفتنی است «بومی کردن اگر در ایران مطرح شود، باید در نظر گرفت که زیست‌بوم ما ایرانی است و فرهنگ خاص خود را دارد که دارای جنبه اسلامی است. در این شرایط برای هماهنگ کردن با این زیست‌بوم ممکن است اسلامی هم نامیده بشود» (باقری، ۱۳۸۹: ۳). باقری در همین رابطه می‌گوید: «اندیشه اسلامی و فرهنگ ایرانی چون تار و پودی در هم تنیده‌اند و هویت ما را تشکیل می‌دهند. در هر رگه‌ای از میراث ما، خواه ادبیات یا تاریخ و نظیر آن، این دو رشته اسلامی و ایرانی در هم تنیده‌اند؛ بنابراین، بدون توجه به هر یک از این دو بعد نمی‌توان فلسفه تعلیم و تربیتی متناسب با این کشور فراهم آورد» (همو، ۱۳۹۱: ۱۲). به عقیده مرندی (۱۳۹۱) نیز از آنجا که علوم انسانی و اجتماعی در زمره علوم ترکیبی‌اند؛ بنابراین، قابلیت آنصاف به مکاتب را دارند. به علاوه صرف نظر از مباحث اعتقادی، شرایطی نظیر آداب و رسوم، فرهنگ و حتی اقلیم و جغرافیای متفاوت می‌طلبد تا علوم انسانی و اجتماعی به عنوان علمی که محوریت مباحث آن انسان است، به تناسب جوامع مختلف بومی‌سازی شوند. با چنین دیدگاهی، اسلامی‌سازی علوم انسانی در کشور ما در دل بومی‌سازی جای می‌گیرد. بنابراین، مقصد و هدف، بومی‌سازی، علوم است که اگر این مهم تحقق یابد، اسلامی‌سازی را به عنوان زیرمجموعه‌ای از این حرکت عظیم با خود به ارمغان خواهد آورد. البته این تمام کاری که باید انجام دهیم نیست، بلکه باید ضمن استفاده از دستاوردهای سایر جوامع، به فرهنگ غنی خود نیز رجوع کرده و با پروراندن و برابرتر کردن آن، به استفاده از نظریات دانشمندان و فلاسفه گذشته پرداخت و حتی در ادامه راه آنان به نظریه‌پردازی دست زد. در همین رابطه باقری (۱۳۸۹) می‌گوید که آموزه‌های اسلامی در آثار متفکران بزرگی چون ابن‌سینا، ملاصدرا و ... محسوس است، ولی این مباحث به صورتی نیستند که بتوانیم آنها را بدون کم و کاست مطرح کنیم؛ بلکه باید متناسب با زمان ما بازتعریف شوند و از نو بازسازی شده و قابلیت‌هایشان شناسایی شود.

با توجه به آنچه ذکر شد و ضمن تأکید بر اهمیت رساله‌هایی که در دوره دکتری انجام می‌شوند، در پژوهش حاضر تمامی رساله‌های دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه‌های دولتی تهران طی سالهای ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ از منظر توجه به مسئله بومی‌سازی بررسی قرار شدند تا مشخص شود رساله‌هایی که در این مقطع با صرف وقت و هزینه بالا انجام می‌گیرند تا چه حد بومی کار می‌شوند و در راه بومی‌سازی و رفع نیازهای علمی و بومی رشته فلسفه تعلیم و تربیت قدم برمی‌دارند. گفتنی است در رابطه با بومی‌سازی علوم انسانی به طور کلی (بزرگر، ۱۳۸۹؛ ساداتی‌نژاد، ۱۳۹۱؛ سلیمی کوچی، ۱۳۹۱) و بومی‌سازی برخی رشته‌ها به طور خاص (پورجوادی، ۱۳۶۰؛ برزانی و همکاران، ۱۳۸۷؛ پناهی، ۱۳۹۶)، تحقیقاتی در کشور صورت گرفته و همچنین در برخی دانشگاهها پایان‌نامه‌هایی در مقطع کارشناسی ارشد در رابطه با بومی‌سازی علوم انسانی به انجام رسیده

است (ناصحیان، ۱۳۹۶؛ اسفندیاری، ۱۳۹۷؛ میرزایی پیرلو، ۱۳۹۷)؛ اما در خصوص شاخصهای بومی‌سازی علوم انسانی در رشته فلسفه تعلیم و تربیت، مورد تأیید کارشناسان و متخصصان مربوطه و ارزیابی رساله‌های دکتری متناظر با آن، تاکنون تحقیقی صورت نگرفته است.

ب) روش تحقیق

برای ارزیابی رساله‌های دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه‌های دولتی تهران از منظر توجه به مسئله بومی‌سازی، نخستین گام این بود که شاخصهایی^۱ برای ارزیابی، تعریف شوند و مورد تأیید صاحب‌نظران در این زمینه قرار گیرند. بدین منظور تا حد امکان متون در دسترس در رابطه با موضوع بومی‌سازی علوم انسانی به طور کلی، بومی‌سازی رشته‌های مختلف، همچنین مطالب مربوط به اسلامی‌سازی^۲ علوم و جهانی‌سازی^۳، مورد مطالعه و بررسی حداکثری قرار گرفتند. بعد از آن، تک‌تک جملاتی که در رابطه با بومی‌سازی و اسلامی‌سازی نشان‌دهنده و حاوی یک ویژگی و مشخص بودند، جمع‌آوری شدند. در ادامه با استفاده از روش نظریه داده‌بنیاد^۴ با رویکرد ساخت‌گرایانه، شاخصهای مورد نظر از دل جملات گردآوری و استخراج شدند. نظریه داده‌بنیاد، نظریه‌ای است که ریشه و اساس آن مبتنی بر داده‌های خاصی است که به تولید نظریه می‌پردازند. روش داده‌بنیاد یک روش استقرایی، یعنی از جزء به کل رسیدن است. تفاوت اساسی روش داده‌بنیاد با سایر روشهای کیفی، در تأکید بر شکل‌دهی یا تدوین نظریه است. بنابر این، تمامی جملات مرتبط با بومی‌سازی از متون مطالعه‌شده^۵ در جدولی به صورت مجزا با عنوان کدگذاری باز گردآوری شد. در این مرحله هر جمله یا مجموعه جملاتی که منظور واحدی را در ارتباط با بومی‌سازی در خود داشتند، در یک خانه از این جدول قرار گرفتند و بدین ترتیب طبقه‌بندی اولیه و شکل‌گیری مفاهیم صورت گرفت. سپس مفاهیم شناسایی شده طی مرحله کدگذاری باز به هم ربط داده شده و به مقوله‌ها تبدیل شدند. به عبارت دیگر؛ کدگذاری حول محور یک یا چند مقوله تحقق یافته است. مقوله‌های استنتاج‌شده، در ستون دیگر جدول با عنوان «کدگذاری محوری» گردآوری شده‌اند. در واقع؛ در کدگذاری باز داده‌ها خرد و ریز می‌شوند. این امر به محقق اجازه می‌دهد تا بعضی مقولات و خصوصیات آنها را شناسایی کند. کدگذاری محوری همان داده‌ها را دوباره با ایجاد رابطه بین هر مقوله و مقولات

۱. در اینجا منظور از شاخص، گزاره‌هایی است که می‌توانند به عنوان مقیاس برای سنجش میزان بومی‌سازی متون موجود در رشته فلسفه تعلیم و تربیت در ایران استفاده شوند.

۲. همان‌طور که پیش از این آمد، وقتی صحبت از بومی‌سازی باشد، یک بعد این بومی‌سازی به اسلام مرتبط می‌شود و بعد دیگر آن به شرایط و ویژگی‌های محیطی و محلی برمی‌گردد. بنابر این، در این پژوهش، اسلامی‌سازی زیرمجموعه یا یکی از ابعاد بومی‌سازی در نظر گرفته شده است.

۳. مفهوم بومی‌سازی و جهانی‌سازی دو مفهوم متقابل به نظر می‌رسند؛ بنابر این، گاهی در متون مربوط به جهانی‌سازی، از بومی‌سازی نیز صحبت به میان می‌آید.

4. Grounded Theory

۵. حداکثر متون در دسترس به زبانهای فارسی، انگلیسی و عربی.

فرعی آن، به نوعی جدید به یکدیگر مرتبط می‌سازد. اگرچه کدگذاری باز و محوری رویه‌های تحلیلی متفاوتی‌اند، اما وقتی محقق به کار تجزیه و تحلیل مشغول است، به طور مرتب از یکی به دیگری می‌پردازد (استراوس و کوربین، ۱۳۹۳: ۹۸). در مرحله بعد که کدگذاری انتخابی نام دارد، یکپارچه‌سازی و بهبود مقوله‌ها انجام گرفته است. در این مرحله سعی شد تا مقوله‌های حاصل از مرحله قبل، معنادهی و بازآفرینی شوند و بدین صورت، شاخصهای اصلی بومی‌سازی مرتبط با کدگذاری باز اولیه مشخص شدند. اطلاعات حاصل از این مرحله در ستون بعدی جدول با عنوان «کدگذاری انتخابی» آمده‌اند. بعد از شناسایی اولیه شاخصهای بومی‌سازی علوم انسانی، شاخصهای مذکور در رابطه با رشته فلسفه تعلیم و تربیت بازتعریف شدند و برای تأیید روایی آنها از روش دلفی^۱ بهره گرفته شد؛ بدین ترتیب که ابتدا اعضای پانل دلفی^۲ - به منظور تأیید، حذف و همچنین اظهار نظر و اصلاح شاخصهای اصلی و فرعی بومی‌سازی رشته فلسفه تعلیم و تربیت در ایران و در نهایت تأیید روایی و اعتبار آنها- از طریق نمونه‌گیری هدفدار یا قضاوتی تعیین شدند. برای این کار، پژوهشگر ابتدا افراد متخصص را که در رابطه با بومی‌سازی به طور کلی و بومی‌سازی علوم انسانی دارای مقالات و منابعی بودند، به علاوه افراد صاحب‌نظر در زمینه فلسفه تعلیم و تربیت را شناسایی کرده، بعد از مشخص شدن افراد مذکور و دسترسی به پست الکترونیکی ایشان، پرسشنامه تنظیم‌شده چندین مرتبه برای تک‌تک این افراد - که ۴۰ آدرس ایمیل بود- فرستاده شد و بعد از دریافت پاسخ از سوی پنج نفر از ایشان، پاسخهای دریافت‌شده مورد بررسی، تطبیق و تحلیل پژوهشگر قرار گرفتند. بعد از جمع‌بندی نظرات اعضای پانل دلفی که تا حد زیادی با هم اشتراک نظر داشتند، شاخصهای نهایی اصلی و فرعی بومی‌سازی رشته فلسفه تعلیم و تربیت در ایران شناسایی و تأیید نهایی شدند. این بررسی منتهی به شناسایی شاخصهای بومی‌سازی رساله‌های دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت شد.

در ادامه فرایند تحقیق، شناسایی و بررسی جامعه آماری؛ یعنی تمامی رساله‌های دفاع شده در سالهای ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ دانشگاههای دولتی تهران^۳ آغاز شد و با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی یکایک آنها تحلیل و ارزیابی شد و وضعیت هر کدام از شاخصها در آنها توصیف، تحلیل و بررسی شد. در نهایت، اطلاعات مربوط به هر کدام از رساله‌ها در جدولی در یک ستون مجزا قرار گرفت و بدین ترتیب، وضعیت رساله‌های مذکور از منظر توجه به مسئله بومی‌سازی مشخص شد.

۱. اساس این روش یک فرایند ساختمند برای جمع‌آوری و مختصرسازی دانش به دست آمده از گروه خبرگان است که این دانش از راه توزیع دسته‌ای سؤال با بازخورد نظری کنترل شده به دست آمده است (آدلر و زیگلنر، ۱۹۹۶). در حقیقت؛ روش دلفی مجموعه‌ای متوالی از پرسشنامه‌ها، یا دوره‌های متوالی به همراه بازخورد کنترل شده است، با این هدف که به اتفاق نظر میان گروهی از افراد متخصص درباره یک موضوع خاص دست یابد. (پاول، ۲۰۰۳)

۲. دکتر مهدی گلشنی، دکتر ابراهیم برزگر، دکتر حسن ملکی، دکتر حیدر کوشا، دکتر یحیی کاظمی.

۳. شامل دانشگاههای خوارزمی، تهران، تربیت مدرس، علامه طباطبایی و شاهد.

* دانشگاه تربیت مدرس رساله‌های دکتری را تا ۱۸ ماه بعد از دفاع در دسترس پژوهشگران قرار نمی‌دهد؛ همچنین در دانشگاه الزهرا رساله‌ای با مشخصات مورد نظر وجود نداشت؛ ضمن اینکه در این دانشگاه هم اجازه دسترسی به رساله‌های دکتری را تا دو سال بعد از دفاع، به هیچ کس نمی‌دهند.

گفتنی است که در اینجا منظور از شاخص اول؛ یعنی بهره‌مندی از میراث علمی بشری در حد امکان، این است که بررسی شود آیا در رساله از مجموعه یافته‌های معتبر و گوناگون به زبانهای مختلف، مرتبط با موضوع تحقیق استفاده شده است یا خیر. گستردگی و تنوع استفاده از منابع معتبر و به روز، نشان از تأیید این شاخص دارد. منظور از شاخص دوم؛ یعنی برآوردن نیازها، این است که بررسی شود آیا موضوع و محتوای رساله متناسب با نیازهای جامعه و در راه رفع این نیازهاست یا اینکه آیا در رساله به بررسی فلسفی مسائل روز تعلیم و تربیت در داخل کشور یا شناسایی و رهگیری مسائل تربیتی آینده کشور توجه کافی شده است یا خیر. در رابطه با شاخص سوم؛ یعنی انتقادی بودن، رساله‌ها از این منظر مورد توجه قرار گرفتند که نویسنده به چه میزان مباحث مطرح شده را نقد و ارزیابی کرده است! آیا به صرف نقل قول از دیگر منابع اکتفا کرده یا مطالب مطرح شده در رساله را نقد و ارزیابی هم کرده است. شاخص چهارم؛ یعنی بهره‌مندی از میراث علمی ایرانی-اسلامی، در پی بررسی این مسئله است که تا چه میزان از نظرات فلاسفه و صاحب‌نظران گذشته و معاصر ایرانی-اسلامی استفاده شده و اینکه آیا پژوهشگران در رساله خود ذکر نام و بزرگداشتی از علما و بزرگان صاحب‌نظر اسلامی و ایرانی داشته‌اند یا خیر. شاخص شماره پنج؛ یعنی نظروری عالمانه در پی بررسی این نکته است که آیا پژوهشگر در رساله خود نظری بدیع ارائه داده است یا خیر! به علاوه، پژوهش کاربردی یا بنیادی بودن، همچنین عدم تقلیدی بودن کار ذیل این شاخص بررسی می‌شود. در رابطه با شاخص ششم؛ یعنی نوآورانه بودن، محقق در پی بررسی این مسئله بود که آیا رساله به تولید یا ارائه دیدگاههای جدید و خلاقانه با بهره‌گیری از ظرفیت آموزه‌های دینی یا دیدگاههای فلاسفه و صاحب‌نظران اسلامی-ایرانی پرداخته است یا در انجام رساله‌ها از مبانی فکری، فرهنگی و ارزشی جامعه برای پاسخگویی به مسائل تربیتی کشور بهره برده شده است یا خیر. شاخص هفتم؛ یعنی بازسازی میراث علمی ایرانی-اسلامی، به بررسی این مسئله پرداخته که تا چه میزان در رساله به ارزیابی و نقد نظرات فلاسفه و صاحب‌نظران گذشته و معاصر ایرانی-اسلامی در راستای متناسب ساختن و به روز کردن آن با مبانی فکری و فرهنگی جامعه پرداخته شده است. در شاخص هشتم؛ یعنی اصلاح منابع معرفتی، به بررسی این مسئله پرداخته شده که پژوهشگر در انجام رساله تا چه میزان از منابع معتبر دینی استفاده کرده است. لازم است مجدداً یادآوری شود زمانی که از بومی‌سازی در ایران صحبت می‌شود، یک بعد این بومی‌سازی شامل اسلامی‌سازی می‌شود. رساله‌های انجام شده در مقطع دکتری، عموماً از منابع جدید و به روز، به خصوص انگلیسی‌زبان زیاد استفاده می‌کنند؛ اما کمتر پژوهشی به استفاده از منابع اصیل دینی و اسلامی، مانند قرآن و روایات توجه دارد. برای توضیح بیشتر باید گفت حتی اگر در آیات و روایات در زمینه تخصصی این پژوهش موردی یافت نشود، می‌توان به صورت کلی از آیه یا روایتی درباره علم و علم‌آموزی استفاده کرد که متأسفانه عموم پژوهشگران این نکته را از یاد برده‌اند. در نهایت، در خصوص شاخص نهم؛ یعنی مستدل بودن، منظور این است که در رساله مورد نظر تا چه میزان از استدلالهای منطقی و استنادات معتبر در خصوص نقدهای مطرح شده بهره برده شده است.

ج) یافته‌ها

یافته‌های این تحقیق شامل سه محور است. در محور اول، از آنجا که در رابطه با بومی‌سازی و چیستی آن اجماعی میان صاحب‌نظران وجود ندارد، ابتدا تعریف محقق از بومی‌سازی ارائه شده، سپس در محور دوم، شاخصهای بومی‌سازی فلسفهٔ تعلیم و تربیت معرفی شده‌اند. در گام سوم، وضعیت رساله‌های دکتری فلسفهٔ تعلیم و تربیت بر اساس شاخصهای شناسایی شده تحلیل شده‌اند.

۱. چیستی یا ماهیت بومی‌سازی

با مطالعه و بررسی متون مربوط به بومی‌سازی و بررسی دیدگاههای محققان و صاحب‌نظران مختلف، در پژوهش حاضر تعریف ذیل برای بومی‌سازی پیشنهاد شده است: «استفاده و برخورداری از فرهنگ و تمدن جهانی و جذب انتقادی علوم از جوامع دیگر و دخل و تصرف در آنها- با در نظر گرفتن شرایط جامعه، اعم از فرهنگی، اجتماعی، تاریخی، دینی، سیاسی و اقتصادی، همچنین مقتضیات زمانی و مکانی- به علاوه توجه و استفاده از میراث به جا مانده از گذشتگان برای هماهنگ کردن، سازگاری و متناسب ساختن این علوم با ضرورتها و نیازهای داخلی».

۲. شناسایی شاخصهای بومی‌سازی رشتهٔ فلسفهٔ تعلیم و تربیت

یافته‌های حاصل از بررسی مرحلهٔ دوم، در بر دارندهٔ شناسایی شاخصهای بومی‌سازی فلسفهٔ تعلیم و تربیت پس از اعتباریابی آنها توسط صاحب‌نظران است، که در جدول ۱ به صورت شاخصهای اصلی و فرعی ذکر شده‌اند.

جدول ۱: شاخصهای اصلی و فرعی بومی‌سازی رشتهٔ فلسفهٔ تعلیم و تربیت در ایران^۱

شاخص اصلی	شاخصهای فرعی
بهره‌مندی از میراث علمی بشری در حد امکان	مطالعه و فهم کامل علوم موجود (در هر رشته درسی)
	ظرفیت مواجهه با سایر فرهنگها
برآوردن نیازها	متناسب بودن با نیازهای جامعه (مطابقت با نیازها)
	پاسخگو بودن به اقتضانات زمان و مکان
انتقادی بودن	نقد علوم موجود
بهره‌مندی از میراث علمی ایرانی- اسلامی	استفاده از میراث به جا مانده از گذشته
	بررسی ریشه‌ای تاریخ علوم

۱. شاخصها به ترتیب فراوانی تکرار آنها در متون مربوط به بومی‌سازی مرتب شده‌اند. همچنین علاوه بر شاخصهای مذکور، شاخصهای دیگری نیز برای بررسی میزان بومی‌سازی رساله‌های دکتری رشتهٔ فلسفهٔ تعلیم و تربیت در ایران به تأیید اعضای پانل دلفی رسیده بودند که بعضی به دلیل گستردگی زیاد و ممکن نبودن بررسی آن در تحقیق حاضر و بعضی دیگر به دلیل همپوشانی با شاخصهای بررسی شده، از تحقیق حاضر حذف شدند. این شاخصها عبارتند از: متناسب بودن با شرایط جامعه، متناسب بودن با مبانی جامعه، بازسازی علوم به تناسب نیاز، مسئله‌محوری، باز تولید جهان پسند، تولید علم بر پایه مبانی دینی و فهم درست میراث علمی بشری در قالب گفتگوهای جمعی.

شاخص اصلی	شاخصهای فرعی
نظروزی عالمانه	تکریم علما و پژوهشگران گذشته
	سازماندهی مجدد با نظر به میراث اسلامی
	ارائه نظریه جدید
نوآورانه بودن	تعریف پارادایم متناسب با مبانی جامعه
	انجام پژوهشهای کاربردی و بنیادی
	عدم تقلیدی بودن
بازسازی میراث علمی ایرانی-اسلامی	مبنا و اصل قرار دادن میراث علمی ایرانی-اسلامی
	جرأت‌مندی-کارآمدی
	بازسازی آثار به جا مانده از گذشته
	به روز رسانی موضوع، مفهوم یا ساختاری از گذشته
اصلاح منابع معرفتی	نقد میراث به جا مانده از گذشته
	متناسب ساختن آثار به جا مانده از گذشته با شرایط روز
	استفاده از منابع دینی
مستدل بودن	داشتن استدلال علمی

گفتنی است که شاخصهای فرعی به منظور سهولت و همچنین دقیق تر شدن امکان بررسی و تحلیل جامعه آماری، شناسایی شده‌اند.

۳. وضعیت رساله‌های دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت مبتنی بر شاخصهای شناسایی شده

مرحله سوم یافته‌ها، شامل بررسی رساله‌های دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت بر اساس شاخصهای شناسایی شده است که نتایج بعد از بررسی و تحلیل رساله‌ها در قالب جدول ذیل بیان شده است.

جدول ۲: وضعیت رساله‌های سال ۱۳۹۶ از حیث بومی‌سازی

شاخص	رساله	محمدی پویا	رشیدی	احمدی	عبداللهی خاتقاه	پناهی	باقری	بزرگی	قاسمی	رمضانی فینی	مخملچی
۱. بهره‌مندی از میراث علمی بشری در حد امکان	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
۲. برآوردن نیازها	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
۳. انتقادی بودن	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
۴. بهره‌مندی از میراث علمی ایرانی-اسلامی	✓	✓	✓	✓	×	×	×	×	✓	×	×
۵. نظروزی عالمانه	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
۶. نوآورانه بودن	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
۷. بازسازی میراث علمی ایرانی-اسلامی	✓	✓	✓	×	×	×	×	×	✓	×	×

شاخص	رساله	محمدی پویا	رشیدی	احمدی	عبداللهی خانقاه	پناهی	باقری	بزرگی	قاسمی	رمضانی فینی	مخملچی
۸. اصلاح منابع معرفی		✓	✓	✓	×	×	×	×	✓	×	×
۹. مستدل بودن		✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓

جدول ۳: وضعیت رساله‌های سال ۱۳۹۷ از حیث بومی‌سازی

شاخص	رساله	پورآقا	مرادی	ترکاشوند	مظفر	شکوهی‌فر	احمدی هدایت
۱. بهره‌مندی از میراث علمی بشری در حد امکان		✓	✓	✓	✓	✓	✓
۲. برآوردن نیازها		✓	✓	✓	✓	✓	✓
۳. انتقادی بودن		×	✓	✓	✓	✓	✓
۴. بهره‌مندی از میراث علمی ایرانی - اسلامی		×	×	✓	×	✓	×
۵. نظرورزی عالمانه		✓	✓	✓	✓	✓	✓
۶. نوآورانه بودن		✓	✓	✓	✓	✓	✓
۷. بازسازی میراث علمی ایرانی - اسلامی		×	×	✓	×	✓	×
۸. اصلاح منابع معرفی		×	×	✓	×	✓	×
۹. مستدل بودن		✓	✓	✓	✓	✓	✓

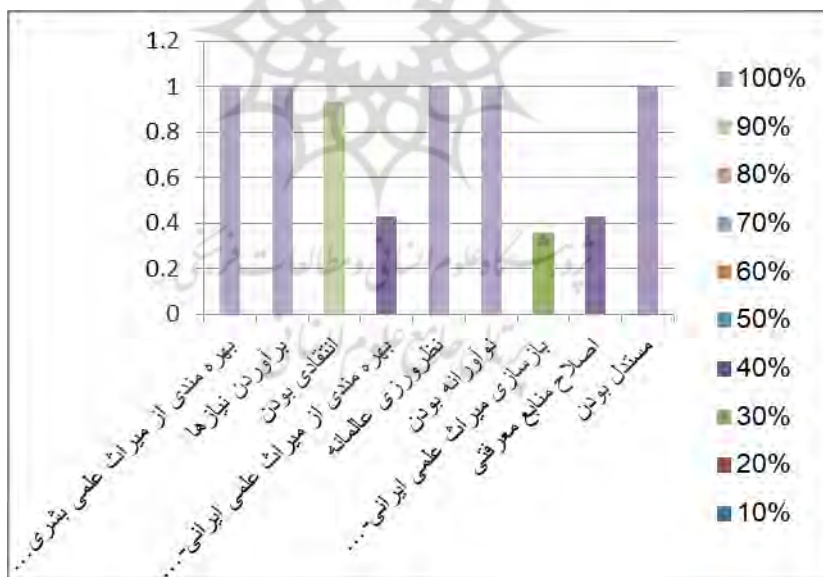
با توجه به جداول ۲ و ۳ و تحلیل آنها می‌توان گفت که تمامی رساله‌ها شاخص ۱؛ یعنی «بهره‌مندی از میراث علمی بشری در حد امکان» را رعایت کرده‌اند؛ بدین معنی که هر کدام از رساله‌ها با توجه به موضوع، به طور گسترده از علوم روز دنیا در زمینه پژوهشی خود استفاده کرده‌اند. وضعیت شاخص ۲؛ یعنی «برآوردن نیازها» نشان می‌دهد که اولاً، موضوع تمامی رساله‌ها به نحوی متناسب با نیازهای جامعه بوده و ثانیاً، پژوهش‌های انجام شده در حد خود به یکی از نیازهای زمان حاضر پاسخگو بوده است. به علاوه، همگی آنها به بررسی فلسفی یکی از مسائل روز تعلیم و تربیت داخل کشور پرداخته بودند. درباره شاخص ۳؛ یعنی «انتقادی بودن» باید گفت اگرچه اکثر رساله‌ها به ارزیابی و نقد مباحث مطرح شده در رساله پرداخته بودند؛ ولی در این میان، بعضی فعالیت انتقادی‌شان بسیار کم بود (پورآقا، ۱۳۹۷)؛ به گونه‌ای که رساله مملو از نقل قول مطالب دیگران بود. در بقیه رساله‌ها کم و بیش فعالیت انتقادی به چشم می‌خورد و فقط به نقل قول مطالب بسنده نکرده بودند؛ اما باید توجه داشت که این شاخص روی یک نمودار قرار می‌گیرد؛ بدان معنی که بعضی رساله‌ها فعالیت انتقادی بیشتر و بعضی نقد کمتری داشتند (محمدی پویا، ۱۳۹۶؛ رشیدی، ۱۳۹۶؛ احمدی، ۱۳۹۶؛ پناهی، ۱۳۹۶). ولی همین میزان نقد و ارزیابی مطالب که در آنها صورت گرفته بود، در اینجا به عنوان تأیید فعالیت نقادی لحاظ شده است. بررسی رساله‌ها در خصوص شاخص چهارم؛ یعنی «بهره‌مندی از میراث علمی ایرانی - اسلامی» نشان داد که از مجموع ۱۴ رساله، هشت رساله به هیچ عنوان از میراث غنی ایرانی و اسلامی استفاده نکرده‌اند؛ همچنین در آنها نامی از بزرگان و مفاخر ایرانی یا اسلامی به میان نیامده است. در این زمینه لازم است به دو نکته اشاره شود: اول اینکه، در مورد این شاخص هم باید گفت میزان استفاده و

رجوع به منابع غنی موجود در فرهنگ ایرانی - اسلامی در رساله‌ها یکسان نبود؛ به این صورت که در برخی رساله‌ها تنها به یک مطلب مختصر اکتفا شده بود (محمدی پویا، ۱۳۹۶)، اما در برخی دیگر این گونه منابع، منابع اصلی مورد استفاده در رساله‌ها بودند و شالوده رساله با استفاده از این منابع ریخته شده بود. دوم اینکه، موضوع بعضی از رساله‌ها کاملاً جدید بود و به همین دلیل به نظر می‌رسید در منابع اسلامی - ایرانی سابقه چنین موضوعی وجود نداشته و عملاً امکان استفاده از منابع مورد نظر فراهم نبوده است. بنابر این، نمی‌توان به طور دقیق گفت که آنها به این منابع بی‌توجه بوده‌اند. تمامی رساله‌ها شاخص پنجم؛ یعنی «نظروری عالمانه» را رعایت کرده بودند؛ زیرا همگی یا پژوهش کاربردی بوده‌اند یا بنیادی. همچنین همه پژوهشگران در رساله خود به ارائه نظر جدید - هرچند مختصر - پرداخته‌اند که در واقع یکی از شرایط دفاع از رساله دکتری است. در همه رساله‌ها یکی از موارد تحلیل و ارزیابی دیدگاه‌های فلاسفه و صاحب‌نظران علوم تربیتی و تحلیل و ارزیابی مسائل تربیتی کشور و ارائه راهکار دیده می‌شد. در موضوع شاخص ششم؛ یعنی «نوآورانه بودن» هم همه رساله‌ها تأیید شدند. به عبارتی؛ تک‌تک رساله‌های انجام‌شده در حیطه مورد نظر خود جنبه نوآورانه داشتند؛ بدین صورت که یا با بهره‌گیری از ظرفیت آموزه‌های دینی و دیدگاه‌های فلاسفه و صاحب‌نظران اسلامی - ایرانی دیدگاه جدید ارائه شده بود یا اینکه از مبانی فکری، فرهنگی و ارزشی جامعه برای پاسخگویی به مسائل تربیتی کشور بهره برده شده بود. اما وضعیت در رابطه با شاخص هفتم؛ یعنی «بازسازی میراث علمی ایرانی - اسلامی» به این شکل نبود؛ یعنی از ۱۴ رساله، در ۹ رساله به طور کلی این شاخص رعایت نشده بود. منظور این است که در این رساله‌ها ارزیابی و نقد نظرات فلاسفه و صاحب‌نظران گذشته و معاصر، همچنین مباحث فلسفی - تربیتی مطرح در ادبیات، فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی برای به روز کردن و متناسب ساختن آن با مبانی فکری و فرهنگی جامعه اقدامی صورت نگرفته بود. در سایر رساله‌ها هم رعایت این شاخص شدت و ضعف داشت؛ یعنی در برخی این موضوع کم‌رنگ‌تر بود و چندان به آن پرداخته نشده بود (محمدی پویا، ۱۳۹۶؛ رشیدی، ۱۳۹۶)، اما در برخی شاخص مورد نظر به صورت تمام و کمال و دقیق رعایت شده بود. بررسی شاخص هشتم؛ یعنی «اصلاح منابع معرفتی» نشان داد که هشت رساله به هیچ عنوان از مبانی دینی استفاده نکرده‌اند، ولی در سایر رساله‌ها از منابع دینی - هرچند کم (محمدی پویا، ۱۳۹۶) - استفاده شده است. در رابطه با رعایت شاخص مذکور، نظر پژوهشگر این است که بر خلاف آنچه درباره شاخص چهارم (بهره‌مندی از میراث علمی ایرانی - اسلامی) گفته شد، در رابطه با این شاخص باید گفت هر اندازه که موضوع جدید باشد یا حتی اگر موضوع به گونه‌ای باشد که به طور مستقیم از منابع دینی در آن استفاده نشود، این امکان برای پژوهشگر وجود دارد که به صورت مختصر و در حد اشاره از برخی منابع و متون دینی در پژوهش خود استفاده کند. حتی اگر این مورد شامل استفاده از یک آیه یا حدیث در رابطه با علم و علم‌آموزی به طور کلی باشد؛ اما متأسفانه به نظر می‌رسد که برخی پژوهشگران به هیچ عنوان توجهی به استفاده از منابع دینی در پژوهش‌های خود ندارند. در رابطه با «مستدل بودن»، یافته‌ها

بیانگر آن است که تمامی رساله‌ها شاخص مورد نظر را رعایت کرده و در مباحث خود استدلال علمی داشته و از استدلالهای منطقی و استنادات معتبر در خصوص نقدهای خود بهره برده‌اند. گفتنی است که رعایت این شاخص هم به صورت نموداری بوده است؛ یعنی بعضی رساله‌ها در سمت حداکثری نمودار و بعضی در سمت حداقلی (رشیدی، ۱۳۹۶) قرار دارند، اما به هر شکل از این شاخص بهره برده بودند.

با توجه به جداول مذکور می‌توان گفت که شاخص اول؛ یعنی «بهره‌مندی از میراث علمی بشری در حد امکان»، شاخص دوم؛ یعنی «برآوردن نیازها»، شاخص سوم؛ یعنی «انتقادی بودن» ۹۳.۷۵ درصد، شاخص چهارم؛ یعنی «بهره‌مندی از میراث علمی ایرانی-اسلامی» ۳۷.۵ درصد، شاخص پنجم؛ یعنی «نظروری عالمانه» و شاخص ششم؛ یعنی «نوآورانه بودن» به صورت کامل و ۱۰۰ درصد اجرا شده است، اما اوضاع شاخص هفتم؛ یعنی «بازسازی میراث علمی ایرانی-اسلامی» و شاخص هشتم؛ یعنی «اصلاح منابع معرفتی» این گونه نیست. به عبارت دیگر؛ اولی ۳۱.۲۵ درصد و دومی ۳۷.۵ درصد رعایت شده‌اند. شاخص نهم؛ یعنی «مستدل بودن» هم ۱۰۰ درصد رعایت شده است.

اطلاعات حاصل از جداول پیشین را می‌توان در نمودار ۱ مشاهده کرد.



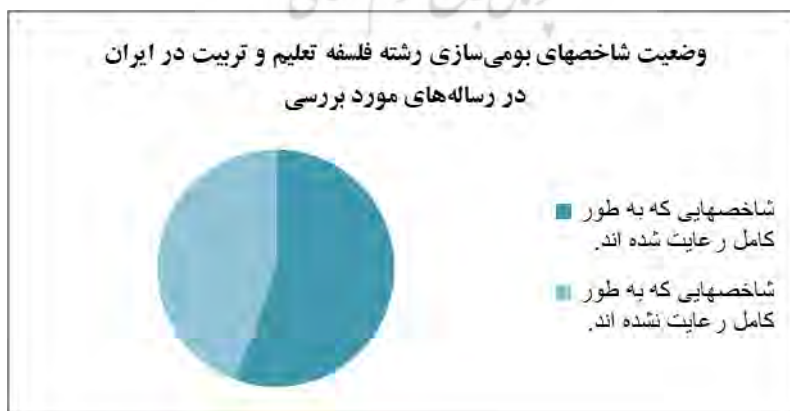
نمودار ۱: وضعیت رعایت شاخصهای بومی‌سازی رشته فلسفه تعلیم و تربیت در رساله‌های دکتری دانشگاههای دولتی شهر تهران طی سالهای ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷

۱. با در دست داشتن تعداد کل رساله‌ها که در مجموع ۱۶ رساله می‌باشند و تعداد رساله‌هایی که شاخص مورد نظر را رعایت کرده‌اند - ۱۵ رساله - می‌توان درصد رساله‌هایی که شاخص مذکور را رعایت کرده‌اند، به دست آورد.

(د) بحث و نتیجه گیری

رشته فلسفه تعلیم و تربیت یکی از گرایشهای رشته علوم تربیتی و زیرمجموعه علوم انسانی است که هر ساله تعدادی دانشجوی در مقطع دکتری، بعد از دفاع از رساله خود، از این رشته فارغ التحصیل می شوند. از آنجا که یکی از راههای پیشرفت علم در هر جامعه‌ای، انجام پژوهشهایی در راستای پاسخگویی به سؤالات علمی در زمینه‌های مورد نیاز هر رشته علمی در دانشگاههاست؛ لذا در تحقیق پیش رو، رساله‌های انجام گرفته در دانشگاههای دولتی تهران طی سالهای ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ در رشته فلسفه تعلیم و تربیت از منظر توجه به مسئله بومی سازی بررسی و تحلیل شدند تا مشخص شود آیا پاسخ به سؤالات علمی در این رشته در راستای بومی سازی و برطرف ساختن نیازهای کشور در این زمینه می باشند یا خیر. بعد از بررسی و تحلیل رساله‌های مذکور، مشخص شد که از بین ۹ شاخص مورد نظر، پنج شاخص به طور صد درصدی در رساله‌ها رعایت شده‌اند که عبارتند از: بهره‌مندی از میراث علمی بشری در حد امکان، برآوردن نیازها، نظرورزی عالمانه، نوآورانه بودن و مستدل بودن. یک شاخص تا حدود زیاد؛ یعنی نزدیک به صد درصد رعایت شده و آن انتقادی بودن است. اما اوضاع سه شاخص دیگر چندان رضایت بخش نیست و از حد وسط پایین تر است. شاخص بهره‌مندی از میراث علمی ایرانی- اسلامی و اصلاح منابع معرفتی با کسب درصد یکسان، چیزی کمتر از ۵۰ درصد و شاخص بازسازی میراث علمی ایرانی- اسلامی با کسب کمترین درصد نسبت به سایر شاخصها، از همه کمتر رعایت شده است. این طور به نظر می رسد که در انجام رساله‌های مذکور توجه زیادی به سه شاخص بهره‌مندی از میراث علمی ایرانی- اسلامی، اصلاح منابع معرفتی و بازسازی میراث علمی ایرانی- اسلامی نمی شود.

همچنین بررسی‌ها نشان داد رساله‌های مذکور از ۹ شاخص مورد بررسی، پنج شاخص را به طور کامل رعایت کرده‌اند. به زبان دیگر ۵۵/۵۵ درصد شاخصها در هر یک از رساله‌ها رعایت شده‌اند و ۴۴/۴۵ درصد شاخصها در مجموع رساله‌ها رعایت نشده‌اند.



مسئله دیگری که با تحلیل اطلاعات به دست آمده می‌توان بدان پی برد، این است که از کل رساله‌ها (۱۶ رساله)، پنج رساله تمامی شاخصهای بومی‌سازی رشته فلسفه تعلیم و تربیت را به طور کامل رعایت کرده‌اند (محمدی پویا، ۱۳۹۶؛ رشیدی، ۱۳۹۶؛ قاسمی، ۱۳۹۶؛ تراکشوند، ۱۳۹۷؛ شکومی‌فر، ۱۳۹۷)، ولی سایر رساله‌ها (۱۱ رساله) خیر. بنابر این، می‌توان گفت از کل رساله‌های مقطع دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاههای دولتی تهران در طول سالهای ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷، تنها ۳۱/۲۵ درصد به طور کامل به بومی‌سازی این رشته درسی پرداخته‌اند و ۶۸/۷۵ درصد رساله‌ها توجه چندانی به بومی‌سازی آن نداشته‌اند.



این آمار نشان می‌دهد در انجام رساله‌های دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاههای دولتی تهران در سالهای ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷، توجه چندانی به مسئله بومی‌سازی و رفع نیازهای بومی کشور نشده است که این مسئله جای تأمل دارد.

همچنین با نظر به یافته‌های حاصل می‌توان گفت از آنجا که یکی از دغدغه‌های مسئولان و سیاست‌گذاران در جامعه همواره این بوده است که کشور به سمت بومی‌سازی علوم انسانی حرکت کند و یکی از راههای تحقق چنین هدفی را نظریه‌پردازی در عرصه‌های مختلف علوم انسانی قلمداد کرده‌اند، به نظر می‌رسد یکی از سازوکارهایی که می‌تواند بستر مناسبی را برای نظریه‌پردازی، به ویژه در دانشگاهها فراهم آورد، مجموعه تحقیقات و پژوهشهایی است که در مقطع دکتری در مراکز دانشگاهی در حال انجام است؛ زیرا در این رساله‌ها، امکان طرح ایده‌های نوآورانه فراهم است. هدایت و جهت‌دهی درست مسئله‌های مورد تحقیق دانشجویان به سمت مسائل مورد نیاز در جامعه و پاسخگویی مطلوب به آنها با بهره‌گیری از ظرفیتهای و سرمایه‌های ارزشمند علمی و فرهنگی و دینی کشور و با اتکای به دستاوردهای ارزشمند بشری، تنها راه ممکن برای برون‌رفت از این مسئله‌ها و دستیابی به استقلال و شکوفایی علمی

کشور است. متأسفانه یافته‌های حاصل از این تحقیق، نشانگر آن است که آنگونه که باید این مهم در رشته فلسفه تعلیم و تربیت در قالب رساله‌های دکتری در دانشگاه‌های دولتی تهران مورد توجه قرار نگرفته است و این امر علاوه بر از بین بردن سرمایه‌های ارزشمند انسانی و مالی و کالبدی، مانع بزرگی برای دستیابی به هدف والای بومی‌سازی علوم تربیتی خواهد بود. به نظر می‌رسد رفع این مانع می‌تواند مسیر دستیابی به هدف بومی‌سازی علوم انسانی را هموارتر کند.

به علاوه، سایر تحقیقات مرتبط صورت گرفته در ارتباط با وضعیت برنامه‌ها و کتب درسی نظام آموزش و پرورش کشور در راستای توجه به شاخصهای بومی‌سازی بوده است که خوشبختانه یافته‌ها بیانگر آن است که درصد بالایی از این شاخصها در کتابهای درسی مورد توجه سیاستگذاران قرار گرفته است. از جمله این تحقیقات می‌توان به پژوهش میرزایی پیرلو (۱۳۹۷) اشاره کرد. وی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود به «تحلیل محتوای کتابهای مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی بر اساس شاخصهای بومی برنامه درسی در اسناد بالادستی آموزش و پرورش» پرداخته است. او در این پژوهش به تحلیل محتوای کیفی چهار جلد کتاب درسی مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی تألیف سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش و اسناد بالادستی آموزش و پرورش شامل سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و سند برنامه درسی ملی اقدام کرده است. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که در کل به شاخصهای بومی‌سازی برنامه درسی توجه شده است، اما میزان تأکید بر تمامی مؤلفه‌های بومی‌سازی برنامه درسی در کتابهای مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی یکسان نبوده است. همچنین ناصحیان (۱۳۹۶) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود به «تعیین شاخصهای بومی‌سازی برنامه درسی و تحلیل محتوای کتابهای درسی ریاضی دوره دوم دبستان بر اساس آنها» پرداخته است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که مضامین شامل ارزشهای دینی - مذهبی، احترام به میراث فرهنگی، ارزشهای سیاسی - انقلابی، شرایط اقلیمی - جغرافیایی، هویت تاریخی، سرمایه اجتماعی، توجه به ریاضیات قومی - اسلامی، اقتصاد بومی، کاربرد ریاضی در زندگی روزانه، نقشهای جنسیتی، توجه به تحرکات ملی و استفاده از واژه‌های بومی است که در کتاب ریاضی چهارم به همه آنها به جز سرمایه اجتماعی و واژه‌های بومی توجه شده است. همچنین در کتاب ریاضی پنجم، همه مضامین به جز نقشهای جنسیتی و استفاده از واژه‌های بومی استفاده شده و در کتاب ریاضی ششم به همه مضامین به جز سرمایه اجتماعی، ریاضیات قومی - اسلامی و نقشهای جنسیتی توجه شده است. به عنوان نتیجه‌گیری نیز چنین آورده که این شاخصها کم و بیش توسط برنامه‌ریزان درسی در کتابهای ریاضی رعایت شده است، ولی با توجه به اینکه شاخصهای بومی‌سازی مربوط به کتاب خاصی نمی‌شود، لازم است به طور جدی‌تر این شاخصها در کتابهای ریاضی تقویت شود.



منابع

- احمدی هدایت، حمید(۱۳۹۷). پساپدیدارشناسی فناوری اطلاعات به منظور ارائه الگویی برای آموزش مجازی در نظام آموزش و پرورش ایران. رساله دکتری، به راهنمایی محسن فرمیهنی فراهانی. تهران: دانشگاه شاهد.
- اخوی راد، بتول(۱۳۸۸). «بررسی شیوه‌های بومی‌سازی علوم انسانی و تأثیر آن بر آموزش عالی». مهندسی فرهنگی، سال چهارم، ش ۳۶-۳۵.
- اسفندیاری، یداله(۱۳۹۷). ارزشیابی رویکرد بومی‌سازی برنامه درسی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی بر اساس الگوی کلاین. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی سولماز نورآبادی. تهران: دانشگاه شاهد.
- بابایی، ایرج(۱۳۹۴). «بومی‌سازی و حقوق ایران». مجموعه مقالات بومی‌سازی علوم انسانی در ایران. به کوشش احمد گل محمدی با همکاری جلال کمالی اردکانی. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- باقری، خسرو(۱۳۸۹). «اسلامی‌سازی علوم؛ مصاحبه با دکتر خسرو باقری». مصاحبه‌کننده: طاهره بابازاده. مطالعات اسلامی در علوم رفتاری، سال اول، ش ۲: ۱۲-۱.
- باقری، خسرو(۱۳۹۱). «بومی‌سازی و توجه به علوم بومی، راههای توسعه علوم انسانی». گفتگو با دکتر خسرو باقری. جشنواره بین‌المللی فارابی، ویژه تحقیقات علوم انسانی و اسلامی.
- باقری، سعیده(۱۳۹۶). تبیین و نقد رویکرد هرمنوتیکی ماری هسه در فهم مفاهیم علمی و ارائه محتوایی مبتنی بر آن، برای آموزش معلمان فیزیک متوسطه دوره دوم. رساله دکتری، به راهنمایی شهین ایروانی. تهران: دانشگاه تهران.
- برزانی، محمد واعظ؛ وحید مقدم، مسعود صادقی و حجت‌الله عبدالملکی(۱۳۸۷). ضرورت تکوین پارادایم در ایجاد علم اقتصاد بومی.
- برزگر، ابراهیم(۱۳۸۹). «رهیافت بومی‌سازی علوم انسانی». روش‌شناسی علوم انسانی، سال شانزدهم، ش ۶۳: ۵۳-۲۹.
- بزرگی، آزاده(۱۳۹۶). بررسی و بازسازی ماهیت مسئولیت با توجه به نگاه معطوف به خود کانت و نگاه معطوف به دیگری لویناس و دلالت‌های آن در تربیت اخلاقی. رساله دکتری، به راهنمایی خسرو باقری. تهران: دانشگاه تهران.
- بهشتی، سعید(۱۳۸۹). تأملات فلسفی در تعلیم و تربیت. تهران: چاپ و نشر بین‌الملل.
- پژوهشکده حوزه و دانشگاه(۱۳۸۴). درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی(۱)، فلسفه تعلیم و تربیت، جلد اول. تهران: سمت.
- پناهی، غلامحسین(۱۳۹۶). تبیین نسبت فلسفه برای کودکان و فلسفه یادگیری انسان با تأکید بر دیدگاه وینچ. رساله دکتری به راهنمایی یحیی قانندی. تهران: دانشگاه خوارزمی.
- پورآقا، مریم(۱۳۹۷). تبیین مشاوره فلسفی بر مبنای فلسفه تحلیلی و پیشنهاد چارچوبی برای آموزش آن. رساله

- دکتری، به راهنمایی یحیی قائدی. تهران: دانشگاه خوارمی.
- پورجوادی، نصرالله (۱۳۶۰). مسئله علوم جدید و فرهنگ غیر معنوی غرب. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
 - ترکشوند، سینا (۱۳۹۷). تبیین مبانی معرفت‌شناسی عدالت و جایگاه تعلیم و تربیت در آن بر بنیاد اندیشه‌های فارابی به منظور ارائه الگوی نظری عدالت تربیتی در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی. رساله دکتری، به راهنمایی سوسن کشاورز. تهران: دانشگاه خوارمی.
 - ربانی، رسول و یعقوب احمدی (۱۳۸۴). «جهانی شدن و آینده فرهنگهای بومی». *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، سال نوزدهم، ش ۱۱-۱۲.
 - رشیدی، شیرین (۱۳۹۶). طراحی الگوی تبیین عقلانی بر مبنای قرآن کریم از منظر تبیین بنیادهای معرفت‌شناختی آن. رساله دکتری، به راهنمایی سوسن کشاورز و سعید بهشتی. تهران: دانشگاه خوارمی.
 - رضائی فینی، معصومه (۱۳۹۶). بررسی نسبت تفکر انتقادی در فلسفه اجتماعی هورکایمر و برنامه فلسفه برای کودکان و ارائه الگویی به منظور پرورش تفکر انتقادی در برنامه درسی مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی. رساله دکتری، به راهنمایی خسرو باقری. تهران: دانشگاه تهران.
 - ساداتی‌نژاد، سید مهدی (۱۳۹۱). «بومی‌سازی علوم انسانی و ضرورت بازبینی مبانی انسان‌شناسی». *پژوهشهای سیاست اسلامی*، سال اول، ش ۱.
 - سجادی، سید مهدی و سولماز نورآبادی (۱۳۸۹). «تبیین و تحلیل ماهیت و کارکرد میان‌رشته‌ای فلسفه تعلیم و تربیت». *مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، دوره دوم، ش ۲: ۴۱-۱۹.
 - سلیمی کوچی، ابراهیم (۱۳۹۱). امکان چاره‌جویی و تمهید اندیشی برای رفع موانع بومی‌سازی علوم انسانی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پرتال جامع علوم انسانی.
 - شکوهی‌فر، محمد (۱۳۹۷). بررسی تحلیلی بنیانها، زمینه‌ها و پیامدهای عفاف در قرآن کریم به منظور طراحی الگوی مطلوب تعلیم و تربیت اسلامی. رساله دکتری، به راهنمایی سعید بهشتی. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
 - عبداللهی خانقاه، شهرداد (۱۳۹۶). تبارشناسی مفهوم دانش‌آموز نخبه در آموزش و پرورش با تأکید بر آموزش و پرورش معاصر ایران. رساله دکتری، به راهنمایی یحیی قائدی. تهران: دانشگاه خوارمی.
 - علیدوستی، سیروس؛ پرویز شهریاری، محمود خسروجردی، فرهاد شیرانی و حمیده بیرامی طارونی (۱۳۸۸). «الگوی توصیف و تحلیل اطلاعات پایان‌نامه‌ها و رساله». *پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران*، دوره بیست و چهارم، ش ۴: ۲۸-۵.
 - عمادزاده، مصطفی (۱۳۸۲). «تقاضای اجتماعی برای آموزش عالی». *مجله پژوهشی شیخ بهایی*: ۹۰-۷۱.
 - فرزانه‌پور، حسین (۱۳۸۷). امکان بومی‌سازی علوم انسانی و رشته‌های آن با تأکید بر علوم سیاسی (چالشها و

- راهکارها). پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پرتال جامع علوم انسانی.
- فرهادی، مرتضی (۱۳۸۶). واره، درآمدی به مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی تعاون. تهران: شرکت انتشار.
 - قاسمی، مریم (۱۳۹۶). رویکرد اجتماعی به تربیت اخلاقی بر اساس بررسی دیدگاه‌های منتخب با توجه به دیدگاه تفسیری علامه طباطبایی. رساله دکتری، به راهنمایی محمدرضا شرفی. تهران: دانشگاه تهران.
 - کاویانی، کوروش (۱۳۹۴). «حقوق و لوازم بومی‌سازی آن». مجموعه مقالات بومی‌سازی علوم انسانی در ایران. به کوشش احمد گل محمدی با همکاری جلال کمالی اردکانی. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
 - گلکار، سعید (۱۳۸۷). دولت و دانشگاه در ایران پس از انقلاب. پایان‌نامه دکتری علوم سیاسی. تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
 - مرادی، امیر (۱۳۹۷). بررسی جایگاه آموزش‌های آنلاین در تربیت منش در آموزش عالی با تأکید بر دیدگاه سازه‌گرایی اجتماعی. رساله دکتری، به راهنمایی سعید ضرغامی همراه. تهران: دانشگاه خوارزمی.
 - محمدی پویا، فرامرز (۱۳۹۶). تبیین بایسته‌های معرفت‌شناختی اخلاق‌باور و نقش تفکر انتقادی در آن به منظور ارائه الگوی نظری اخلاق‌باور. رساله دکتری، به راهنمایی سعید ضرغامی همراه. تهران: دانشگاه خوارزمی.
 - گل محمدی، احمد (۱۳۹۴). «لزوم و لوازم بومی‌سازی علوم انسانی (با تأکید بر علم سیاست)». مجموعه مقالات بومی‌سازی علوم انسانی در ایران. با همکاری جلال کمالی اردکانی. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
 - محمدی‌نژاد، بهزاد (۱۳۹۰). مجموعه‌ای برای تحول در حوزه برنامه‌ریزی آموزشی. معاونت آموزشی دفتر پشتیبانی و حمایت آموزش عالی.
 - مخملچی، محمد (۱۳۹۶). تبیین مبانی معرفت‌شناختی سواد دانشگاهی عمومی و دلالت‌های آن برای تعلیم و تربیت (با نگاهی به نظام آموزش عالی ایران). رساله دکتری، به راهنمایی سید مهدی سجادی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
 - مرندی، محمدرضا (۱۳۹۱). «ضرورت بومی‌سازی علوم انسانی». روزنامه کیهان، ۹۱/۲/۹.
 - مظفر، محمد (۱۳۹۷). نومفهوم‌پردازی شک دکارتی بر اساس انتقادهای معرفت‌شناختی شک سوفیستی پروتاگوراس و شک پست مدرن میشل فوکو به منظور استنتاج اصول یاددهی-یادگیری. رساله دکتری، به راهنمایی سید مهدی سجادی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
 - مهدوی آزادبنی، رمضان (۱۳۸۹). «جایگاه هستی‌شناختی و انسان‌شناختی در بومی‌سازی علوم انسانی». معرفت در دانشگاه اسلامی، سال چهاردهم، ش ۱.
 - میلازه، گاستون (۱۳۷۵). معنا و حدود علوم تربیتی. ترجمه علی محمد کاردان. تهران: دانشگاه تهران.
 - میرزایی پیرلو، هادی (۱۳۹۷). تحلیل محتوای کتابهای مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی بر اساس شاخصهای بومی برنامه درسی در اسناد بالادستی آموزش و پرورش. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی حسن ملکی. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

- ناصحیان، علی (۱۳۹۶). تعیین شاخصهای بومی‌سازی برنامه‌دستی و تحلیل محتوای کتابهای درسی ریاضی دوره‌دوم دبستان بر اساس آنها. پایان‌نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی حسن ملکی. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- ناظمی، سعید (۱۳۸۸). «زمانی برای بیداری، با نظر به ضرورت تحول علوم انسانی در دانشگاهها». سوره، ش ۴۵.
- Adler, M. & E. Ziglio (1996). **Gazing into the oracle**. Jessica Kingsley Publishers: Bristol, PA.
- Ashcroft, Bill; Griffith Gareth & Tiffin Hellen (2007). **Post-colonial Studies: The Key Concepts**. London: Routledge 2 Edition.
- Gray, Mel (2008). “**Indigenization in a globalization world: A response to Yunong and Xiong**”. *International Social Work*, 53(1): 115-127. 2010, London: SAGE.
- Gray, Mel & I. Allegritti (2003). “**Towards Culturally Sensitive Social Work Practice: Re-Examining Cross- culturally Social Work**”. *Social Work/ Maatskaplike Werk*, 38(4): 36-324.
- Gray, Mel & John Coates (2010). “**Indigenization and Knowledge development: Extending the debate**”. *International Social Work*, 53(5): 1-15: SAGE.
- Powell, C. (2003). “**The Delphi Technique: Myths and Realities**”. *Methodological Issues in Nursing Research*, 41(4): 376-382.
- www.khamenei.ir

منابع ترجمه شده

- Abdollahi Khaneghah, Shahdad (2017). **Genealogy of the concept of elite student in education with emphasis on contemporary Iranian education**. PhD Thesis. Supervisor Yahya Ghaedi, Kharazmi University.
- Ahmadi Hedayat, Hamid (2018). **Post-phenomenology of information technology in order to provide a model for virtual education in the Iranian education system**. PhD Thesis. Supervisor Mohsen Farmihani Farahani. Shahed University.
- Akhavi Rad, Batool (2009). “**A Study of Localization Methods of Humanities and Its Impact on Higher Education**”. *Cultural Engineering Monthly*, Fourth Year, No. 35-36.
- Alidosti, Sirus; Parviz Shahriari, Mahmoud Khosrowjerdi, Farhad Shirani & Hamideh Beyrami Tarouni (2009). “**The model of description and information analysis of dissertations and theses**”. *Iranian Journal of Information Science and Technology Research Quarterly*, Vol. 24, No. 4: 5-28.
- Babaei, Iraj (2015). “**Localization and Law of Iran**”. *A collection of articles on localization of humanities in Iran*. by Ahmad Golmohammadi in collaboration with Jalal Kamali Ardakani, Allameh Tabatabaei University Press.

- Bagheri, Khosrow (2010). **“Islamization of Sciences Interview with Dr. Khosrow Bagheri”**. Interviewer: Tahereh Babazadeh. *Islamic Studies in Behavioral Sciences*, First Year, Second Issue: 1-11.
- Bagheri, Khosrow (2012). **“Localization and Attention to Indigenous Sciences, Ways of Humanities Development, Interview with Dr. Khosrow Bagheri”**. *Farabi International Festival for Humanities and Islamic Sciences Research*.
- Barzani, Mohammad Waez; Vahid Moghaddam, Massoud Sadeghi & Hojjatollah Abdolmaleki (2008). **The necessity of developing a paradigm in creating indigenous economics**.
- Barzegar, Ebrahim (2010). **“The approach of localization of humanities”**. *Journal of Humanities Methodology*, Vol. 16, No. 63: 29-53.
- Beheshti, Saeed (2010). **Philosophical Reflections in Education**. International Publishing Company.
- Bozorgi, Azadeh (2017). **Investigating and reconstructing the nature of responsibility according to Kant's own view and Levinas' other view and its implications in moral education**, PhD Thesis. Supervisor Khosrow Bagheri, University of Tehran.
- Emadzadeh, Mostafa (2003). **“Social Demand for Higher Education”**. *Sheikh Baha'i Research Journal*, p. 71-90.
- Esfandiari, Yadaleh (2018). **Evaluation of the localization approach of the master's curriculum based on Klein model**. Master's Thesis. Supervisor Solmaz Noorabadi. Tehran: Shahed University.
- Farhadi, Morteza (2007). **Vareh, Introduction to Anthropology and Sociology of Cooperatives**. Tehran: Publishing Company.
- Farzanehpour, Hossein (2008). **The possibility of localization of humanities and its disciplines with emphasis on political science (challenges and solutions)**. Institute of Humanities and Cultural Studies, Comprehensive portal of humanities.
- Ghasemi, Maryam (2017). **Social approach to moral education based on the study of selected perspectives according to the interpretive perspective of Allameh Tabatabai**. PhD Thesis. Supervisor Mohammad Reza Sharafi. University of Tehran.
- Golkar, Saeed (2008). **Government and University in Iran after the Revolution**. PhD Thesis in Political Science. Tehran: Faculty of Law and Political Science, University of Tehran.
- Golmohammadi, Ahmad (2015). **“The Necessity and Supplies of Localization of Humanities (with Emphasis on Political Science)”**. *Collection of Articles on Localization of Humanities in Iran*. in collaboration with Jalal Kamali Ardakani, Allameh University Publishing Center Tabatabai.
- Kaviani, Kourosh (2015). **“Law and its Localization Supplies”**. *A collection of articles on the localization of humanities in Iran*. by Ahmad

- Golmohammadi, in collaboration with Jalal Kamali Ardakani, Allameh Tabatabaei University Publishing Center.
- Mahdavi Azadbani, Ramadan (2010). **“Ontological and Anthropological Position in the Localization of Humanities”**. *Knowledge in Islamic University*, Fourteenth Year, No. 1.
 - Makhmalchi, Mohammad (2017). **Explaining the epistemological foundations of general university literacy and its implications for education (with a look at the Iranian higher education system)**. PhD Thesis. supervisor Seyed Mehdi Sajjadi, Tarbiat Modares University.
 - Marandi, Mohammad Reza (2012). **“The Necessity of Localization of Humanities”**. *Kayhan Newspaper*, 2/9/91.
 - Mialareh, Gaston (1996) **Meaning and Limits of Educational Sciences**. Translated by Ali Mohammad Kardan. Tehran: University of Tehran.
 - Mirzaei Pirloo, Hadi (2015). **Content Analysis of Elementary School Social Studies Textbooks Based on Indigenous Curriculum Indicators in Upstream Education Documents**. Master Thesis. Supervisor Hassan Maleki, Allameh Tabatabai University.
 - Mohammadinejad, Behzad (2011). **A Collection for Transformation in the Field of Educational Planning**. Deputy of Education, Office of Higher Education Support.
 - Mohammadi Pouya, Faramarz (2017). **Explaining the epistemological requirements of belief ethics and the role of critical thinking in order to provide a theoretical model of belief ethics**. PhD Thesis. Supervisor Saeed Zarghami Hamrah, Kharazmi University.
 - Moradi, Amir (2015). **The study of the position of online education in character training in higher education with emphasis on the view of social constructivism**. PhD Thesis. Supervisor Saeed Zarghami Hamrah, Kharazmi University.
 - Muzaffar, Mohammad (2018). **Neo-conceptualization of Cartesian skepticism based on epistemological critiques of Protagoras' sophistic skepticism and Michel Foucault's postmodern skepticism in order to deduce the principles of teaching-learning**. doctoral dissertation. supervisor Seyed Mehdi Sajjadi, Tarbiat Modares University.
 - Nasehian, Ali (2017). **Determining the Indicators of Curriculum Localization and Analyzing the Content of Second Grade Math Textbooks Based on Them**. Master Thesis, Supervisor Hassan Maleki, Allameh Tabatabai University.
 - Nazemi, Saeed (2009). **“A Time to Awaken Considering the Necessity of the Evolution of the Humanities in Universities”**. *Sura*, No. 45.
 - Panahi, Gholamhossein (2017). **Explaining the Relationship between Philosophy for Children and Philosophy of Human Learning with Emphasis on Winch View**. PhD Thesis. Supervised by Yahya Ghaedi. Tehran:

- Kharazmi University.
- Pour-Agha, Maryam (2015). **Explaining Philosophical Counseling Based on Analytical Philosophy and Proposing a Framework for Teaching It**. PhD Thesis. Supervised by Yahya Ghaedi. Khavarami University.
 - Pourjavadi, Nasrollah (1981). **The Problem of New Sciences and Non-Spiritual Culture of the West**. Institute of Humanities and Cultural Studies.
 - Rabbani, Raoul & Yaghoub Ahmadi (2005). **“Globalization and the Future of Indigenous Cultures”**. *Political-economic information*, nineteenth year, 11-12.
 - Ramezani Fini, Masoumeh (2017). **A Study of the Relationship between Critical Thinking in Horkheimer's Social Philosophy and Philosophy for Children and a Model for Developing Critical Thinking in Elementary Social Studies Curriculum**. PhD Thesis. Supervisor Khosrow Bagheri. University of Tehran.
 - Rashidi, Shirin (2017). **Designing a model of rational prophecy based on the Holy Quran from the perspective of explaining its epistemological foundations**. PhD Thesis. Supervisor Susan Keshavarz & Saeed Beheshti. Kharazmi University.
 - Sadati Nejad, Seyed Mehdi (2012). **“Localization of Humanities and the Necessity of Reviewing the Fundamentals of Anthropology”**. *Islamic Policy Research*, Vol. 1, No. 1.
 - Sajjadi, Seyed Mehdi & Solmaz Noorabadi (2010). **“Explaining and Analyzing the Interdisciplinary Nature and Function of Philosophy of Education”**. *Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies in Humanities*, Vol. 2, No. 2: 19-41.
 - Salimi Kochi, Ebrahim (2012). **Possibility of finding solutions and preparing to remove obstacles to localization of humanities**. Institute of Humanities and Cultural Studies, Comprehensive portal of humanities.
 - Seminary and University Research Institute (2005). **Introduction to the Philosophy of Islamic Education (1), Philosophy of Education, Volume I**. Organization for the Study and Compilation of University Humanities Books (Position).
 - Shokouhifar, Mohammad (2015). **An Analytical Study of the Foundations, Backgrounds and Consequences of Chastity in the Holy Quran in order to Design an Optimal Model of Islamic Education**. PhD Thesis. Supervisor Saeed Beheshti. Allameh Tabatabai University.
 - Torkashvand, Sina (2018). **Explaining the epistemological foundations of justice and the position of education in it based on Farabi's ideas in order to provide a theoretical model of educational justice in the formal and public education system**. PhD Thesis. Susan Keshavarz. Kharazmi University.





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی